

## متن پیاده سازی شده

### بسم الله الرحمن الرحيم

قرار شد مطالب شیخ را در پنج شماره بیان کنیم از این پنج شماره چهار شماره اش گذشت البته شماره ی چهار ناقص ماند که الان کاملش می کنیم.

در مطلب چهارم ایشان برای حکومت چند مثال زد، فرمود: ما ادله ای داریم راجع به احکام شک در نماز، اما شارع می فرماید: لا شک لکنثیر الشک، یا لا شک لامام یا ... ایشان معتقد است که همه ی این ها حکومت است. اگر شارع گفته بود: شک کنثیر الشک یقین است این می شد ورود و اگر فرموده بود: هر کس شک کرد بین سه و چهار بنا را بگذارد بر اکثر مگر کنثیر الشک این می شد تخصیص.

مطلب پنجم: اگر کسی بگوید جناب شیخ این مطلبی که شما فرمودید مگر غیر از تخصیص است؟ جناب شیخ جواب می دهد که نتیجه تخصیص هست، برآیند با تخصیص یکی است اما با دو فرایند. در تخصیص مخصص نیامده بیان عام کند هر چند وقتی تخصیص صورت می گیرد طبیعتاً بیان حاصل می شود. یعنی مخصص نیامده با مدلول لفظی خود عام را بیان کند. لذا این جمله معروف است که همیشه مراد جدی از عام با تخصیص روشن می شود. ولی در حکومت رسماً تفسیر است. (حکومت فقط در فقه نیست بلکه در معارف دیگر نیز آمده است مثلاً روایات متعددی در رابطه با شیعه و فضائل و خصوصیات آن ها داریم ولی در برخی از روایات شیعه را معنا می کند و می گوید انسان با چنین خصوصیتی شیعه نیست یا شیعه ی من این است؛ این می شود حکومت.)

پس در تخصیص رسماً تفسیر نیست بلکه قهراً است ولی در حکومت رسماً تفسیر است. و آن نشانه ای که شیخ بر روی آن تأکید دارد همین مفسر بودن است.

نتیجه گیری: ایشان حکومت و ورود را با مثال تعریف کرد و در برخی از موارد دآوری کرد و در آخر فرق بین تخصیص و حکومت را بیان کرد.

البته فرمایش شیخ یک کمبودی دارد و آن اینکه ایشان فقط به حکومت مضیق مثال زد در حالی که ما در حکومت، حکومت موسع هم داریم مثلاً الطواف بالبيت صلاة یا ولد العالم عالم و امثال این موارد.

چنین مطلب مهمی بعد از شیخ مسکوت نمی ماند و بعد از ایشان هم عصران ایشان و شاگردان ایشان این مطلب را مورد نقض و ابرام و بحث و بررسی قرار داده اند تا به امروز.

آقای آخوند با جناب شیخ در تفسیر حکومت و ورود تفاوتی ندارد و همان تعریف را قبول دارد ولی اشکال آخوند در تطبیق است، ایشان می گوید این که شما گفتید امارات وارد بر اصول عملیه عقلیه است درست است ولی اینکه امارات بر اصول عملیه ی شرعیه حاکم است درست نیست و ما قبول نداریم مثلاً جایی که ما استصحاب داریم و اماره قائم می شود (دلیل اعتبار اماره می گوید اماره حکم یقین را دارد و می گوید گویا تو یقین داری) استصحاب می گوید لا تنقض الیقین بالشک مثلاً من سابقاً می دانستم که این لیوان پاک است و الآن هم می گویم پاک است اما بینه می گوید این لیوان نجس است (و از آن طرف ادله ی اعتبار اماره می گوید بینه در حکم یقین است) و اگر من به اماره عمل کردم نقض یقین به یقین کرده ام و در واقع این اماره موضوع استصحاب را از بین می برد و این چیزی نیست جز ورود چون ورود هم این بود که یک دلیل موضوع دلیل دیگر را حقیقتاً با عنایت تعبد شارع از بین ببرد و در این جا هم اماره دقیقاً همین کار را می کند پس این جا هم ورود است.

آقای آخوند می گوید از این هم که بگذریم یک نشانه ی دلیل حاکم این بود که اگر دلیل محکوم نباشد حاکم لغو می شود، آیا اگر دلیل اعتبار استصحاب (اصول عملیه ی شرعیه) نباشد دلیل اعتبار اماره لغو می شود؟ اصلاً ادله ی امارات نظارت بر اصول عملیه ندارد و اگر اصول عملیه هم نباشد امارات لغو نخواهد بود در حالی که در کلام شما رکن اساسی حکومت را لغویت بیان کردید.

ان قلت: بالاخره امارات در مورد اصول عملیه می آید یا نه؟ مراد شیخ هم از نظارت همین است. آخوند می فرماید نظارتی که شیخ گفت این نبود بلکه نظارت به معنای تفسیر بود و آن تفسیر در این جا نیست.

به نظر ما حرف آخوند تمام است و انتظار می رفت که بعدی ها حرف آخوند را بپذیرند ولی دوتا فحل اصولی یکی آقای نائینی و یکی آقای خویی آمده اند و حق را به جانب شیخ داده اند.

نوبت آقای نائینی است. ابتدای کلام ایشان همان حرف های شیخ است البته با یک اضافاتی اما در ادامه ایشان خیلی حرف هایی دارد که نه در کلام شیخ است و نه در کلام آخوند و نیاز به بررسی دارد.